



ظرفیت فضاهای معماری برگرفته از نقوش هویت‌ساز با هدف ارتقای حس مکان فضاهای آموزشی

مریم قنبرپور^۱، محمد مهدی سروش^۲، حیدر جهان بخش^۳، منوچهر فروتن^۴

^۱ دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. maryam_ghanbarpour@yahoo.com

^۲ (نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. Soroush@iauh.ac.ir

^۳ دکتری تخصصی، دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. H_jahanbakhsh@pnu.ac.ir

^۴ دکتری تخصصی، استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. manouchehr.foroutan@gmail.com

چکیده

فضاهای آموزشی نقش مهمی در فرهنگ‌سازی و ارتقای سطح توسعه جوامع دارند. در این میان، یکی از عوامل مهم در بهبود عملکرد آنها، تلاش برای ارتقای حس مکان، به عنوان یک عامل تسهیل‌گر در فرایند آموزشی و تربیتی است. مسئله‌ای که اینجا مطرح می‌گردد این است که عامل طراحی، با تکیه بر مؤلفه‌های فرهنگی و هنری تا چه میزان قادر به ارتقای حس مکان در فضاهای آموزشی است. با توجه به نهادینه شدن بسیاری از ارزش‌های ملی و فرهنگی در نقوش هویت‌ساز، استفاده از این رویکرد چگونه بر ارتقای حس مکان در فضاهای آموزشی مؤثر است؟ پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر در آمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که نقوش هویت‌ساز، چون نقوش گیاهی، هندسی و کتبه‌ای ارتباط عمیقی که با معماری در ادوار مختلف تاریخی دارند و هر یک حامل نوعی پیام فرهنگی و اخلاقی هستند که برای اکثریت افراد جامعه یادآور مفاهیم آشنایی درباره اهمیت زندگی، تلاش و فرهنگ است لذا کاربرد آنها نقش مهمی در ارتقای حس مکان در فضاهای آموزشی دارد.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین ارتقای حس مکان، به عنوان یک عامل تسهیل‌گر در فرایند آموزشی و تربیتی.

۲. تحلیل نهادینه شدن ارزش‌های ملی و فرهنگی در نقوش هویت‌ساز بر ارتقای حس مکان در فضاهای آموزشی.

سؤالات پژوهش:

۱. عامل طراحی، با تکیه بر مؤلفه‌های فرهنگی و هنری تا چه میزان قادر به ارتقای حس مکان در فضاهای آموزشی است؟

۲. با توجه به نهادینه شدن بسیاری از ارزش‌های ملی و فرهنگی در نقوش هویت‌ساز، استفاده از این رویکرد چگونه بر ارتقای حس مکان در فضاهای آموزشی مؤثر است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۶

دوره ۱۹

صفحه ۳۹۳ الی ۴۰۵

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

طراحی،
نقوش هویت‌ساز،
حس مکان،
فضاهای آموزشی.

ارجاع به این مقاله

قنبرپور، مریم، سروش، محمد مهدی، جهانبخش، حیدر، فروتن، منوچهر. (۱۴۰۱). ظرفیت فضاهای معماری برگرفته از نقوش هویت‌ساز با هدف ارتقای حس مکان محیط های دانشگاهی. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۶)، ۳۹۳-۴۰۵.

 dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.46.25.1

 dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.342167.1958

مقدمه

تحولات برای مدرن‌سازی ابعاد مختلف جامعه در دوره معاصر، منجر به ایجاد تغییرات اساسی در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی شده است. امروزه با بهره‌گیری از دستاوردهای فناوری اگرچه در روند ساخت‌وساز کالبد معماری پیشرفت‌هایی صورت گرفته است؛ ولی در اغلب موارد محیط‌های معماری فاقد خصوصیات مناسب با کاربری‌شان هستند. این ناهماهنگی سبب فقر هویتی مکان‌هایی که ما در زندگی روزمره خود با آن‌ها روبرو هستیم شده است. این امر، موجب کاهش کیفیت زندگی و در نتیجه عدم تعلق و دلبستگی افراد به آن مکان‌ها شده است. محیط‌های آموزشی یکی از محیط‌هایی هستند که بی‌توجهی به طراحی آن‌ها صدمات جبران‌ناپذیری را به وجود می‌آورد. رابطه هنر و هویت در نظام‌های هنری امری مهم به نظر می‌رسد و با مطالعه در آثار هنری می‌توان برای شناخت هویت فرهنگی یک ملت و انتقال هویت به عصر حاضر بهره برد. در این میان، هنر معماری نقش مهمی در احراز، تثبیت و تداوم فرهنگی هر سرزمین دارد.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است اگرچه تحقیقات آموزش محیطی، ایده حس مکان را پذیرفته است، اما به‌ندرت ادبیات حس مکان مبتنی بر روان‌شناسی محیطی را در نظر گرفته است که تئوری و مطالعات تجربی آن می‌تواند مطالعات مرتبط را در زمینه آموزش تقویت کند. الکس کودریاوتسف (Alex Kudryavtsev) در سال ۲۰۱۱ به تحقیق در مورد احساس مکان در آموزش محیطی از دیدگاه روان‌شناسی محیطی کمک می‌کند. با توسعه جوامع انسانی و تغییر شیوه زندگی و سکونت مردم، توجه معماران، طراحان و برنامه‌ریزان به کیفیت فضاها و محیط‌های ساخته‌شده، افزایش یافته و نقش طراحی به‌عنوان ابزاری برای شکل‌دادن به محیط زندگی و پاسخ‌گویی به توقعات و نیازهای انسان اهمیت بیشتری یافته است. پژوهش‌های زیادی درباره چگونگی تأثیر متقابل محیط یا فضای ساخته شده بر ذهنیات و رفتارهای انسان، انجام شده است. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که محیط علاوه بر عناصر کالبدی، شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل، آن را رمزگشایی و درک می‌کنند. فانعی شیخکلایی و اسکویی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «ارتقا حس مکان در طراحی دانشکده معماری»، به این جمع‌بندی رسیده‌اند که مهم‌ترین عوامل ایجاد و ارتقای حس مکان در طراحی محیط علمی مانند دانشکده معماری، توجه به هویت، مالکیت، یادآوری خاطرات، ایمنی و امنیت، رضایت و خوانایی است (شیخکلایی، اسکویی: ۱۳۹۶: ۱). در این پژوهش به مؤلفه‌های فرهنگی مانند نقوش تاریخی و غیرتاریخی هویت‌ساز اشاره‌ای نشده است. دبستانی رفسنجانی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های ارتقا حس مکان در فضاهای جمعی محیط‌های داخلی دانشکده معماری و شهرسازی»، معتقدند حس مکان تنها محدود عوامل کالبدی نیست و عوامل کالبدی به همراه عوامل مؤثر در ارتقای کیفی فضا و بازتعریف فضا برای رخ‌دادن فعالیت‌های پویا، سرزنده و اجتماعی، نقش کاراتری در ارتقای حس مکان داشته‌اند (دبستانی رفسنجانی، ۱۴۰۰: ۴۳). در این پژوهش نیز اشاره روشنی با میزان

کارایی هنر و نقوش هویت‌ساز وجود ندارد، لذا در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و باتکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است این مسئله مورد بررسی و واکاوی دقیق قرار می‌گیرد.

۱. نقوش هویت‌ساز

پیش از ورود به بحث مقوله نقوش هویت‌ساز، نیاز به بازشناسی مفهوم هویت است. در خصوص مفهوم هویت و عوامل تأثیرگذار بر آن نظریات متفاوتی وجود دارد. هویت، معطوف به شناخت مرزهای خود از دیگری است و به زندگی معنا می‌بخشد. مفهوم هویت در ارتباط با انسان، چیزی از پیش موجود نمی‌باشد؛ بلکه همیشه ساخته و نو به نو می‌شود (تقوای، ۱۳۹۱: ۶۵)؛ بنابراین یک مفهوم سیال و در حال دگرگونی و پویایی است و می‌تواند از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر منتقل شود. همین ویژگی، زمینه را برای ایجاد تحول متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی در مفهوم هویت فراهم می‌سازد.

هویت، مجموعه‌ای از علائم، آثار مادی، زیستی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه، اهلیتی از اهلیتی و یا فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود. از مقوله‌های مهمی که بر تبیین هویت تأثیر مهمی دارد انسان، باورهایش، میزان شناخت و آگاهی او در مقام طراح و مؤلف و در جایگاه بهره‌بردار و شناسنده معماری است. ویژگی‌های موجود در یک پدیده، یک بنای معماری برای همه افراد به یک اندازه قابل شناخت و دریافت نمی‌باشد. هویت نظام‌هایی نمادین از گنجینه‌های شناختی یک اجتماع است که به دست نسل‌های پیشین استوار می‌شود و امروز در دسترس فردی از اجتماع قرار می‌دهد (آزاد داور و رنجبر، ۱۳۹۵: ۱۲). بنابراین یکی از مختصات بارز مفهوم هویت، تاریخمندی آن است. به دیگر سخن، هویت برای افراد و جوامع برگرفته از یک پیشینه تاریخی است.

در جامعه‌شناسی، مقوله هویت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصوصیات افراد و گروه‌های اجتماعی از جایگاه مهمی برخوردار است (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۲۱). در حقیقت، هویت هر جامعه، همان هویت فرهنگی آن است. هویت و شخصیت هر انسان منعکس‌کننده هویت جامعه اوست (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۹: ۲۳۴). توجه به باطن و معنای اشیاء و اعمال می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل هویت‌دهنده فرد و اجتماع باشند. هویت حلقه اتصال زنجیر باورها و عقاید است (نصر و ماجدی، ۱۳۹۲: ۲۶۹). با این تفاسیر، هویت مقوله‌ای جدا از نوع انسان و جوامع انسانی نیست، بلکه همراه و همزاد با انسانی است که از بدو خلقت گذارهایی را به‌عنوان فرهنگ و داشته‌های فرهنگی با خود به یدک کشیده است. بدون شک، بخش مهمی از این فرهنگ، مربوط به هنر و مختصات هنری افراد در جوامع است. به دیگر سخن، بخش مهمی از هویت در جوامع مختلف، معطوف به داشته‌های هنری آن‌ها می‌باشد. داشته‌های که گاه با تداوم در طول قرن‌ها تا به امروز نیز در برخی از جوامع، همچنان نقش مهمی در انتقال هویت فرهنگی و تاریخی به نسل‌های کنونی دارد.

یکی از مسائل مهم که بر تبیین هویت تأثیر مهمی دارد، انسان و باورهایش، میزان شناخت و آگاهی او در مقام طراح، مؤلف و در جایگاه بهره‌بردار و شناسنده معماری است (تقوایی، ۱۳۹۱: ۶۳-۶۷). رابطه هنر و هویت در نظام‌های هنری امری مهم به‌نظر می‌رسد و با تعمق در مطالعه آثار هنری می‌توان به شناخت عمیقی از هویت فرهنگی یک ملت دست یافت (صادقی قاسم آباد؛ قدسی، ۱۳۹۸: ۱). بخش مهمی از هنر به شکل نمادها و نقوش در بخش‌های مختلف هنری دیده می‌شود. هویت تاریخی و ملی در میراث ماندگار گذشتگان است که هر یک از آنها به نوعی به گذشته درخشان و تمدن باستانی ما اشاره دارد. نقوش گیاهی و هندسی و کتیبه‌ها را می‌توان از فضای مسجد و دیگر فضاهای تاریخی و مذهبی بیرون کشید و در سازه‌های جدید به کار برد. می‌توان با استفاده از این نقوش به مکان‌های جدید هویت داد (صدقیان حکاک، فیاض آزاد، ۱۳۹۸: ۵۳). بنابراین نقوش گیاهی و هندسی و کتیبه‌ای بازمانده از ادوار تاریخی کهن را می‌تواند از اصلی‌ترین نقوش هویت‌ساز دانست که بار معنایی زیادی را از حثیت تاریخمندی به همراه دارند. کاربست این نوع نقوش در حقیقت ابزاری برای انتقال هویت فرهنگی محسوب می‌شود و می‌توان از آن‌ها با عنوان نقوش هویت‌ساز یاد کرد.

بررسی معانی موجود در نقوش گیاهی، هندسی و کتیبه‌ای حاکی از این است که اغلب برخاسته از باور یا انگاره‌های مذهبی هستند. در بین عناصر فرهنگ‌ساز بشری، دین نقش تعیین‌کننده‌ای را به عهده دارد و به تعبیری فرهنگ دینی می‌تواند حیات‌بخش، توسعه‌آفرین و هویت‌ساز باشد. هویت دینی یک مفهوم چندبعدی است؛ مفهومی مرکب که شامل ابعاد مختلفی چون مسائل اعتقادی، شعائر و مناسک، مسائل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۴ و ۳۵). ادیان از آغاز تا کنون همواره نقش مهمی در هویت‌بخشی مدنی، اجتماعی به بشر نقش مؤثری داشته‌اند. در بین عناصر فرهنگ‌ساز بشری، دین نقش تعیین‌کننده‌ای را بر عهده دارد و به تعبیری، فرهنگ دینی می‌تواند حیات‌بخش، توسعه‌آفرین و تمدن‌ساز باشد (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۴ و ۳۵)؛ بنابراین بخش عمده‌ای از نقوش هویت‌ساز، دربردارنده مفاهیم دینی هستند. درحالی‌که نقوش دینی، این حجم از تعلقات فرهنگی را به همراه دارند می‌توان از آن‌ها برای هویت‌سازی در عصر جدید بهره برد؛ هویتی که دربردارنده یک حافظه تاریخی طولانی است.

با بررسی آثار و مکاتب هنری یک تمدن در تمامی ابعاد می‌توان به بازخوانی هویت آن تمدن پرداخت. حضور بارز آرایه‌ها و عناصر تزئینی چون نقوش اسلیمی در این فرایند مؤثر است. نقوش در هنر اسلامی تنها جنبه تزئینی ندارد؛ بلکه نماینده معانی و مفاهیم فرهنگی هستند که هنر را به‌عنوان زیبایی خود برگزیده‌اند تا از طریق نمادها، آموزه‌های عالی خود را گسترش دهند. نقوش در هنر ایرانی به سه دسته تقسیم می‌شوند: نقوش گیاهی حامل مفاهیم مهمی هستند؛ برای مثال: درخت طوبی از نقوش جاندار است که در مساجد و اماکن مقدس به چشم می‌خورد. علاوه بر این نقوش اسلیمی و ختایی نیز از نقوش مهم گیاهی هستند. درخت یا هر گیاه کهن‌سالی نماد بالندگی و انکشاف زندگی روانی است. گاهی نیز درخت، نماد جاودانگی و بی‌مرگی است (کاظمی اسفه، ۱۳۹۵: ۱۳۱).

دسته دوم از نقوش اسلامی، نقوش هندسی هستند. نقوش هندسی چون دایره، مربع، مثلث، مستطیل، لوزی بیضی و دوزنقه است که با ابزارهای نقطه، خط و سطح ساخته می‌شوند. این نقوش پیچیده، زیبا، ساختار ساده‌ای دارند و از تکرار واحدهای دایره، مربع و مثلث به دست می‌آیند (سیرجان، سلمان، ۱۳۸۳: ۴۹). نقوش کتیبه‌ای نیز از نقوش نمادین در هنر اسلامی هستند که از خطوط و نوشته‌هایی که داخل و خارج بنا یا روی اشیاء هنری نوشته شده باشد که حاوی پیام‌های مختلفی جهت ارتباط با بیننده است و به فرم اشکل گوناگون با خطوط متفاوت در زبان‌های مختلف نوشته می‌شود (صداقت، ۱۳۸۴: ۸۴). نقوش به‌عنوان یکی از عناصر مهم تزیینی و بخشی از ساختار هنری نقش مهمی در انتقال مفاهیم دارند. هنر می‌تواند وسیله ترقی بشر باشد. انسان از راه کلمات می‌تواند افکار خویش و به یاری نقوش هنر، احساسات خود را به همه آدمیان در میان بگذارد (آزاد داور و رنجبر، ۱۳۹۵: ۵).

بسیاری از نقوش تاریخی در هنر ایرانی برگرفته از نمادها یا سنبل‌ها هستند. «نماد» بخش عظیمی از واقعیت پر پیچ‌وخم انسانی و محیط زیستی او است؛ از این رو، نظام نمادین را می‌توان سازنده ناخودآگاه دانست که حائلی میان کودک (سوژه) و جهان بیرونی است (نژاد محمد، ۱۳۹۷: ۱۱۹). کاربرد نقش نمادین، نقش مهمی در هویت‌سازی در جوامع انسانی دارد. با این تفاسیر، در جامعه ایران، در طول تاریخ مجموعه‌ای از نقوش گیاهی، حیوانی، انسانی، هندسی و کتیبه‌ای حامل مفاهیم مهمی آموزشی، مذهبی و فرهنگی بوده‌اند. نقوشی که در ادوار مختلف نقش مهمی در انتقال هویت مذهبی و تاریخی به نسل‌های متعدد داشته است. بنابراین می‌توان گفت هویت در جوامع مختلف در یک چرخه منظم از طریق نقوش منتقل شده و مجدداً به بازآفرینی هویت می‌پردازد.

۲. حس مکان

مکان، فضایی است که برای فرد و گروهی از مردم واجد معنی باشد. مکان، زمانی ایجاد می‌شود که در ارتباط با لایحه‌های دیگر قرار گیرد (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵: ۷۰). به دیگر سخن، فضایی که دارای هویت باشد به آن مکان گفته می‌شود. در رویکرد روانشناسی محیطی، مکان بخشی از محیط جغرافیایی و تابع ویژگی‌های ذهنی و معنایی فرد است که به‌واسطه تجربه ادراکی او، در فرایندی شامل مرحله ادراک به شناخت عاطفی و رفتاری در فرد می‌انجامد لذا محیط ساخته انسان، در هر مرحله با توجه به میزان و شدت ادراک، شناخت و احساس، دارای معانی مختلف می‌شود (لک و غلامپور، ۱۳۹۴: ۴۰). مکان وجهی از فضا است که به‌وسیله شخص یا چیزی اشغال شده و دارای بار معنایی و ارزشی است. بنابراین مکان صرفاً یک جا نیست بلکه جایی خاص است و آنچه آن را خاص می‌سازد رویدادهایی است که در آن به وقوع می‌پیوندد و امتزاج آن با ارزش‌های بشری است (پرتوی، ۱۳۸۷: ۷۱). به دیگر سخن، مکان فضایی است که برای فرد یا گروهی از مردم واجد معنی است. بنابراین، مکان به‌عنوان بخشی از فضا، در ارتباط مستقیمی با مفاهیم ذهنی انسان و داشته‌های تمدنی وی دارد. این مسئله سبب می‌شود تا مکان قابلیت انتقال احساس‌ها و معانی متفاوتی را داشته باشد.

مکان علاوه بر بُعد مادی از بُعد غیرمادی نیز برخوردار است و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می‌کند. به‌واسطه این احساسات نوعی تعلق به مکان ایجاد شده که منجر به شکل‌گیری هویت مکانی می‌شود. این نیروی معنوی، حس مکان نامیده می‌شود. برخی نمادها، ارزش‌ها و خصایص حس ویژه‌ای به فرد می‌دهند که این حس در ادامه تعلق به مکان را در افراد ایجاد می‌کند (احمدی‌پور و میرزایی تبار، ۱۳۸۹: ۴۷-۴۸). حس مکان، پدیده‌ای کلی با ارزش‌های ساختاری، فضایی و جوی است که انسان از طریق ادراک جهت‌یابی و شناسایی به آن دست می‌یابد (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵: ۷۰).

از نگاه پدیدارشناسان، حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به‌واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است. ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارد و حس مکان را نیز بر ارزش‌های، نگرش‌ها و به‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می‌گذارد. حس مکان نه‌تنها باعث هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان است؛ بلکه عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی انسان است و به هویت‌مندی افراد و احساس تعلق آن‌ها به مکان کمک می‌کند. حس مکان از کیفیت فضا و چگونگی طراحی تأثیر می‌پذیرد (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۰-۵۸). از دیدگاه پدیدارشناسی، حس مکان به معنای شخصیت مکان است که معنایی نزدیک به روح مکان دارد. حس مکان در ذهن کاربر شکل می‌گیرد. حس مکان را می‌توان با بهره‌گیری از عوامل دستکاری کرد. مجموعه‌ای از عناصر چون مصالح، شکل، بافت و رنگ شخصیت محیطی را تعریف می‌کند. چیزی که در واقع ماهیت مکان است (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵: ۷۰-۷۱). دیدگاه پدیدارشناسی مبین این است که مکان چیزی بیش از یک محل انتزاعی بود و مجموعه‌ای از عناصری است که در کنار یکدیگر کاراکتر محیطی را تعریف می‌کنند؛ چیزی که در واقع ماهیت مکان محسوب می‌شود (حیاتی و مرتضوی‌کیا، ۱۴۰۰: ۸۱). با این تفاسیر، مکان یک مفهوم چند بُعدی است که به موازات ساختار کالبدی، مجموعه‌ای از انگاره‌های فرهنگی و تمدنی را نیز در بر می‌گیرد. به همین دلیل، در ساخت مکان علاوه بر مصالح ضروری، بحث تزئینات نیز متناسب با جامعه هدف مورد توجه قرار می‌گیرد.

مکان‌ها، منبع هویت فردی و جمعی و مرکزیتی هستند که در آن پیوندهای عاطفی بین مردم برقرار می‌گردد (شکوئی، ۱۳۸۷: ۲۷۶). حس مکان ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌هایی است که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از فضا یا منطقه‌ای خاص ادراک می‌کند. مؤلفه‌ها و خصوصیات ادراکی احساسی اشاره به تأثیرگذاری ادراک و تصورات ذهنی افراد در شکل‌گیری احساس و عاطفه نسبت به مکان و ارتقای حس مکان دارند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۹: ۳۵).

حس مکان حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او و ویژگی‌های محیطی است. این مفهوم از یک‌سو ریشه در تجربه‌های ذهنی همچون خاطره، سنت، تاریخ، اجتماع و غیره دارد و از سوی دیگر متأثر از زمینه‌های عینی و بیرونی محیط مانند طرح، منظره، بو و صداست که نشان می‌دهد حس مکان مفهومی پیچیده از احساسات و دلبستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر استفاده و انطباق انسان از مکان به وجود می‌آید. عوامل شکل‌دهنده حس مکان

عبارت‌اند از: ویژگی‌های کالبدی چون فرم و اندازه، بافت و تزیینات و روابط و چیدمان. عامل دیگر، روابط توقعات و تعلقات قلبی و ویژگی‌های فردی است که در ارتباط با عوامل بالا قرار دارند (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۳). عوامل شکل‌دهنده حس مکان در دو گروه قرار می‌گیرند: اول، گروه ادراکی و شناختی دوم عوامل کالبدی. از نظر ادراکی و شناختی حس مکان ترکیبی پیچیده معانی، نمادها و کیفیت‌هایی که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از فضا یا منطقه‌ای خاص ادراک می‌کنند. ویژگی‌های کالبدی محیط با ایجاد معانی و تأمین فعالیت‌های خاص در ایجاد حس مکان مؤثر است. شناخت و عاطفه نسبت به فضا با درک معانی، نمادها، زیبایی‌شناختی فرمی و معنایی فضا و هویت-مندی با آن حاصل می‌شود. حس مکان حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او است؛ از این رو حس مکان قادر به زندگی محیطی خاص نیستند چراکه حس مکان توانمندی فضا یا مکان در ایجاد حسی خاص نسبت به کلیت مکان است. عوامل کالبدی ایجاد حس مکان نیز عبارتند از: فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا، تنوع بصری، مقیاس، تضاد، تناسب، مقیاس انسانی و اندازه مکان (میرغلامی و آیش، ۱۳۹۵: ۷۲). مجموعه این مؤلفه‌ها منجر به ایجاد هویت یا حس مکان می‌شود.

درک روابط انسان و مکان مستلزم تجسم کردن زمینه‌های فیزیکی و اجتماعی - فرهنگی است؛ و مکان جایی است که احساسات می‌تواند ابراز شود. این احساس با برقراری پیوند بین انسان و مکان جایی است که احساسات می‌تواند ابراز شود و این احساس با برقراری پیوند بین انسان و مکان، زمینه‌ای برای تفاوت، جهت‌یابی و درک فضایی پدید می‌آورد. حس مکان دارای دو بعد است، یکی ریشه در باورها و اعمال فرهنگی دارد و فرد را با مکان ارتباط می‌دهد که شامل عناصر غیرفیزیکی و دارای کیفیت ذهنی است؛ دیگری متأثر از زمینه‌های بیرونی و کالبدی است که بیشتر بر جنبه‌های فیزیکی تأکید دارد و طراح می‌تواند بر آن تأثیر داشته باشد. برای ایجاد حس مکان، در طراحی باید مشخصات کالبدی مانند پیوستگی بصری، محصوریت بصری، تضاد و تنوع، دید، خروجی و ورودی، منظرسازی و نام‌گذاری را افزایش داد و تقویت کرد (نگین تاجی، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۹). حس تعلق مکانی شامل معناها و دل‌بستگی مکان‌هایی است که مکان‌ها برای فرد ایجاد می‌کنند و در روان‌شناسی محیطی به‌خوبی شناخته شده‌اند. محل پدیده‌ای است که انسان به آن معنا می‌دهد و در طول زندگی خود با آن در ارتباط است (هنرور، ۱۴۰۰: ۲۳۰). با این تفاسیر، حس مکان و چگونگی ایجاد و انتقال آن منوط به پیشینه ذهنی فرد از متعلقات مکان و جزئیات آن است که بخش مهمی از این جزئیات در بستر تاریخ ایجاد شده و ماندگار شده‌اند.

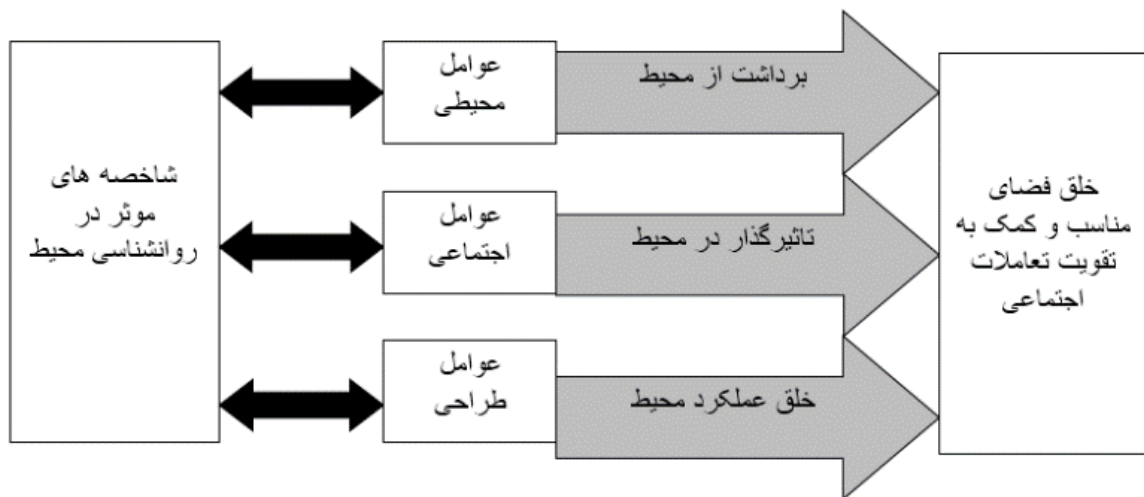
۳. چگونگی ارتقای حس مکان در فضاهای آموزشی با طراحی برگرفته از نقوش هویت‌ساز

فضاهای آموزشی یکی از حوزه‌های معماری محیطی است که نقش عمده‌ای در جامعه ایفا می‌کند. این ضرورت وجود دارد که فضاهای آموزشی علاوه بر برخورداری از فنون مهندسی و هنر معماری از زوایای روان‌شناسی نیز مورد توجه باشد. بی‌توجهی و ناآگاهی جامعه نسبت به طراحی محیط‌های آموزشی در بسیاری از کشورها نتایج نامطلوب خود را نشان داده است. طراحی مناسب این فضاها و رعایت استانداردها و شاخص‌های کیفی از عوامل مهم تأثیرگذار در بالا

بر سطح کیفیت فضاهای آموزشی است (توحیدی و خوشنویس، ۱۳۹۷: ۱). هویت‌بخشی به مکان آموزشی به‌واسطه طراحی هدفمند می‌تواند یکی از مؤلفه‌های تقویت حس مکان در محیط‌های آموزشی و بهبود عملکرد آن‌ها باشد.

مطالعات متعدد نشان می‌دهد کیفیت محیطی که فرد در آن فعالیت می‌کند؛ یعنی عواملی چون فضا، رنگ، نور، صدا و میزان لذت فرد از فضا بر ادراک او مؤثر است به همین دلیل ارتباط دوسویه معماری و روان‌شناسی برای طراحی بهتر فضا ضروری است (طباطبایان، ۱۳۹۳: ۵۹۱). ارتقای حس هویت مکان، نوعی مدیریت هویت محسوب می‌شود. یک رابطه متقابل میان هویت‌های فردی و سازمانی وجود دارد. هر فضایی با شدت و ضعف متفاوت واجد هویت است و هویت نهایی فضا، برآیند هویت‌های عملکردی، کالبدی، محیطی، فرهنگی و معنایی است. فضا علاوه بر کالبد خویش و مضاف بر ویژگی‌های هندسی و زیبایی‌شناختی این کالبد، واجد معنا و یا معانی‌ای نیز است که در خاطره جمعی جامعه نقش می‌بندد. فضا در صورتی واجد هویت است که واجد سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی مناسب و عملکرد صحیح باشد. از این عناصر، عنصر معنا رابطه‌ای نیز با مقوله هویت دارد (نصر و ماجدی، ۱۳۹۲: ۲۷۲).

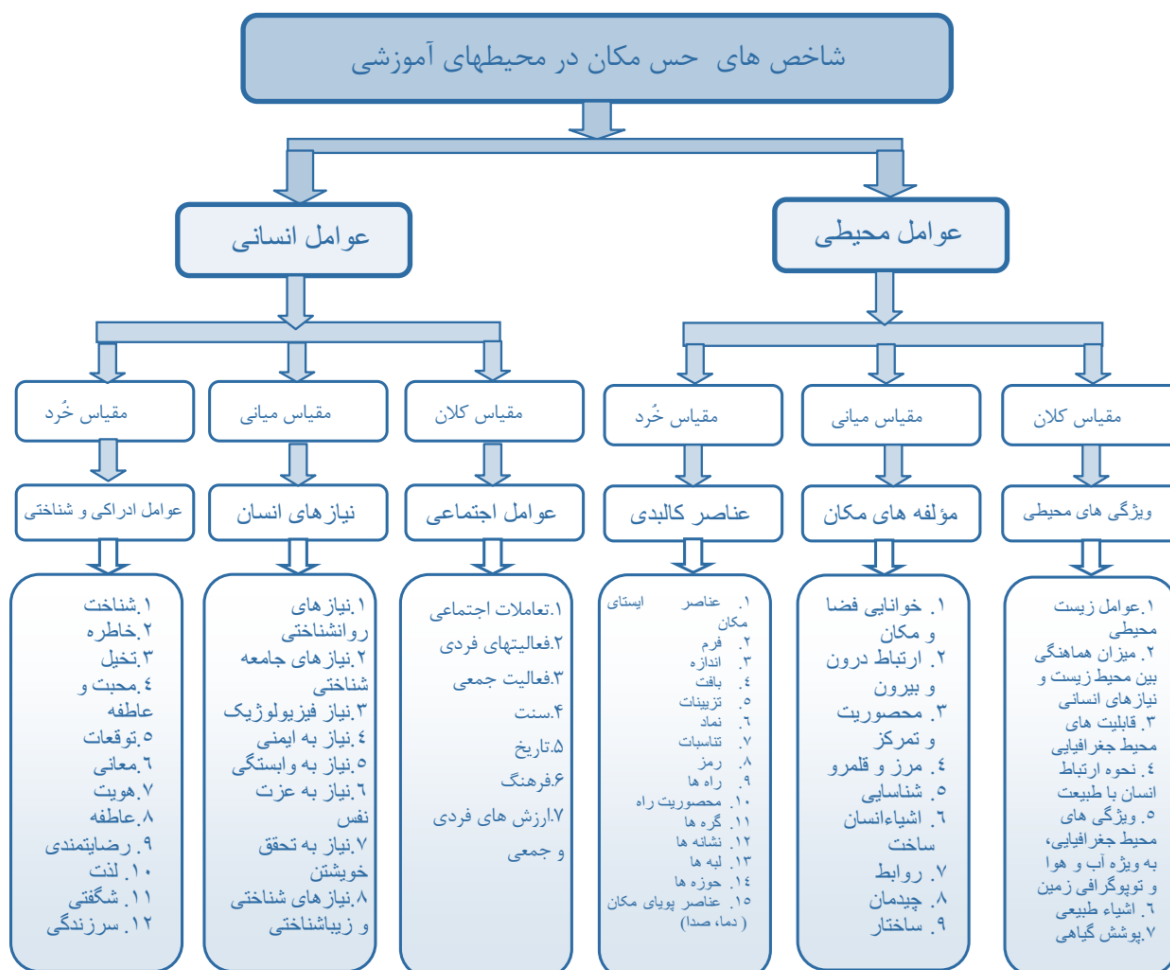
هویت در معماری را می‌توان تجلی فرهنگ در محیط دانست؛ زیرا مکان‌ها از انسان، معنا می‌گیرند و انسان نیز مجموعه‌ای از باورها، اندیشه‌هاست که فرهنگ را در مکان و محیط می‌توان مشاهده کرد که همان هویت او است. معماری همیشه تابع اصول و ضابط معینی است و پیوندی استوار با الگوهای رفتاری و فرهنگی دارد (گزمه و شهرکی، ۱۳۹۲: ۱). مبحث روان‌شناسی محیطی نقش مهمی در بهبود عملکرد محیط‌های آموزشی دارد.



نمودار ۱- شاخصه‌های مؤثر در روانشناختی محیط. مأخذ: (طباطبایان، ۱۳۹۳)

ایجاد نوعی ادغام یا هماهنگی میان شاخصه‌های روان‌شناسی محیطی با نقوش هویت‌ساز می‌توان نقش مهمی در هویت‌بخشی به مکان آموزشی و ارتقای حس مکان در آن داشته باشد. از طریق مدیریت عوامل طراحی به فراخور آنچه که در پس‌زمینه حافظه افراد جامعه در خصوص فضای آموزشی وجود دارد یکی از اهرم‌های کلیدی تقویت حس مکان

در محیط آموزشی است. در این میان، نقش و نمادهای موجود در هنرهای سنتی و معماری کهن می‌تواند در این فرایند تأثیرگذار باشد.



نمودار ۲- مدل‌سازی نظری

بررسی نمودار بالا نشان می‌دهد در تقسیم‌بندی عوامل مؤثر در ارتقای مکان، نقوش هویت‌ساز که می‌توان آن‌ها را در دسته عوامل محیطی دسته‌بندی کرد، در قالب تزیینات می‌توانند حامل مفاهیم مهمی برای ایجاد علاقه‌مندی و ارتباط با پیشینه فضای آموزشی و ضرورت آموزش باشند. از سوی دیگر، در دسته‌بندی عوامل انسانی نیز نقوش هویت‌ساز با پوشش دادن نیازهای زیبایی‌شناختی و خاطره‌سازی و ارتباط‌گرفتن با تاریخ و سنت‌های کهن نقش مهمی در ارتقای حس مکان در محیط‌های آموزشی داشته باشند.

نقوش به‌مثابه نشانه‌ها، بازاری مطالعاتی پس از متن و در جریان تحلیل متنی به کار می‌آید؛ متنی که در کار خلق آن نظام‌های نشانه‌ای متفاوتی در لایه‌های هم‌نشین دخیل بوده‌اند (محمودی، ۱۳۸۸: ۷۶). کاربرد نشانه‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است؛ بدین مفهوم که آن‌ها تنها عامل ارتباطات فرهنگی مخلوقات بوده و دربردارنده دلالت ضمنی و

قراردادی هستند (عنصری، ۱۳۶۶: ۱۹۷). نقوش هویت‌ساز در فرهنگ ایرانی را می‌توان به دو دسته نقوش مذهبی و تاریخی تقسیم کرد. بررسی نقوش مذهبی حاکی از این است که برخی از این نقوش، برجای مانده از باورهای دینی در دوره باستان هستند و برخی دیگر نیز در ارتباط نزدیکی با انگاره‌های محوری در فرهنگ اسلامی شکل گرفته‌اند.

از نقوش هویت‌ساز دوره باستان می‌توان به نقش ایزدان دوره باستان چون ناهید، میترا، اهورامزدا اشاره کرد. از نقوش مذهبی دوره اسلامی می‌توان به نقوش امامان، فرشته‌ها و ملائک، نقوش گیاهی و هندسی و خوشنویسی اشاره کرد. علاوه بر نقوش مذهبی می‌توان نقوش ملی و میهنی، اسطوره‌ای و حماسی مانند نقش شیر و خورشید یا نقوش پهلوانان شاهنامه را نام برد (محمودی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۶-۸۶). کاربری این نقش در طراحی مربوط به محیط‌های آموزشی با توجه به پیشینه‌ای که این نقوش در اذهان افراد جامعه ایرانی دارد می‌تواند نقش مهمی در ایجاد حس مکان در محیط‌های آموزشی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

مکان برای انسان از زمان نخستین تلاش‌های انسان برای ایجاد سرپناه، فضایی متشکل از چارچوب و نمادها و نشانه‌ها بوده است. در حقیقت این نشانه‌ها یا نقوش گویای هویت مکان در این جوامع هستند. باگذشت زمان، کاربری نقوش توسط انسان‌ها افزایش یافت. برخی از این نقوش که ارتباط تنگاتنگی با انگاره‌های فرهنگی و تمدنی جوامع داشتند در طول اعصار و قرون از دوره‌ای به دوره دیگر منتقل شده‌اند. درعین حال، با ایجاد تحولات مذهبی، سیاسی و فرهنگی در جوامع مختلف شاهد پیدایش نقوش متعددی دیگری بوده‌ایم. در عصر حاضر، مکان‌های آموزشی بی‌تردید یکی از اماکن مهم در توسعه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جوامع به شمار می‌آیند؛ بنابراین ارتقای حس مکان در این فضا، می‌تواند نقش مهمی در افزایش کیفیت آن داشته باشد. با توجه به اینکه معماری نوین، به دنبال ایجاد طرح‌های جدید و متفاوت است؛ لذا توجه دادن طراحان جدید به کاربری نقوش هویت‌ساز در طراحی‌های جدید می‌تواند نقش مهمی در افزایش کیفیت اماکن آموزشی داشته باشد. کاربرد نقوشی که به‌نوعی یادآور حماسه‌ها، اسطوره‌ها، بزرگان دینی و ادبی و یا انگاره‌های مذهبی و ملی هستند در ارتقای حس مکان در مکان‌های آموزشی نقش به‌سزایی دارند.

منابع

کتابها

ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۷۹). ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام. تهران: نشر نو.

بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۰). هویت شهر. تهران: نشر شهر.

شکوئی، حسین، (۱۳۸۷). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.

سیرجان، عباس؛ عامر شاکر، سلمان. (۱۳۸۳). هم آراستگی در نگاره‌های اسلامی. ترجمه: آمنه آقا ربیع، مشهد: به نشر.

طبائیان، سید مرضیه. (۱۳۹۳). انسان و محیط، رویکرد روان‌شناسی به معماری و شهرسازی. اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

عنصری، جابر. (۱۳۶۶). درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران. تهران: سروش.

نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۸۹). روح مکان: بررسی پدیدارشناختی معماری. ترجمه محمدرضا شیرازی، چاپ دوم، تهران: رخداد نو.

مقالات

آزاد داور، شیما و رنجبر، هاجر. (۱۳۹۵). «نقش فرهنگ و هنر در هویت دادن به فضاهای شهری». همایش ملی فرهنگ گردشگری و هویت شهری.

احمدی‌پور، زهرا و میرزایی تبار، میثم. (۱۳۹۰). «نقش احساس مکانی در سازماندهی سیاسی فضا»، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۲، صص. ۴۷-۶۲.

توحیدی، محبوبه و کوچک خوشنویس، احمدمیرزا. (۱۳۹۷). «چگونگی طراحی فضاهای آموزشی از دیدگاه روانشناختی با هدف دست‌یابی به کلاس درس استاندارد»، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

تقوای، حسین. (۱۳۹۱). «از سبک تا هویت در معماری». نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۲، ص. ۶۵.

حیاتی، حامد و مرتضوی کیا، بتول. (۱۴۰۰). «تبیین مؤلفه‌های حس مکان در مساجد تاریخی دزفول»، فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران، شماره ۲۶، صص. ۷۹-۹۴.

- دبستانی رفسنجان، اکبر. (۱۴۰۰). «مؤلفه‌های ارتقاء حس مکان در فضاهای جمعی محیط‌های داخلی دانشکده معماری و شهرسازی»/ نشریه مدیریت سبز، شماره ۲، صص. ۴۳-۵۸.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۶). «هویت ایرانی و دینی ضرب‌المثل‌های فارسی»، مطالعات ملی، شماره ۲، صص. ۲۷-۵۲.
- صدقیان، حکاک و فیاض، آزاد. (۱۳۹۸). «کاربرد نقوش تزیینی دوره اسلامی در هویت‌سازی فضاهای شهرهای یزد و اصفهان». فصلنامه اورمزد، شماره ۴۸، ص. ۵۳.
- صادقی قاسم‌آباد، سپهر و قدسی، مهنوش. (۱۳۹۸). «نقش هویت‌ساز هنر در سیما و منظر فرهنگی شهری»، اولین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران، دوره ۱.
- صداقت، معصومه. (۱۳۸۴). «مضامین مذهبی در خط نگاره‌های سنگ قبرها و محراب‌های موزه ملی»، هنر اسلامی، شماره ۳.
- طاهره، نصر و ماجدی، حمید. (۱۳۹۲). «نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی». معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۱، صص. ۲۶۹-۲۷۷.
- کاظمی اسفه، نگار. (۱۳۹۵). «طرای لباس ایرانی با بهره‌گیری از نقوش اسلامی در جهت هویت بخشیدن به فرهنگ و هنر ایران»، کنگره پیشگامان پیشرفت، دوره ۱۰.
- گزمه، یونس؛ شهرکی، نسیم. (۱۳۹۲). «هویت در معماری (بررسی عوامل هویت‌ساز در خانه باقری‌ها)». اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار.
- فلاح، محمدصادق. (۱۳۸۵). «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص. ۶۰-۵۸.
- قانع شیخکلایی، فتانه؛ بابازاد اسکویی، سولماز. (۱۳۹۶). «ارتقای حس مکان در طراحی دانشکده معماری»، اولین همایش ملی پژوهش‌های نظری و عملی در معماری و شهرسازی.
- لک، آزاده و غلام‌پور، اشکان. (۱۳۹۴). «درک معنای حس مکان در بازسازی مسکونی بم» مسکن و محیط روستا، ۹۴(۱۴۹)، صص. ۳۷-۵۰.
- محمودی، فتانه؛ طاووسی، محمود و فرهنگی، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). «تجلی هویت ملی در هنر ایران با رویکرد به مضامین نقش‌مایه‌های تزیینی سقائفارها در مازندران». فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱، صص. ۷۵-۹۸.
- میرغلامی، مرتضی. (۱۳۹۵). «مدل مفهومی ارزیابی حس مکان براساس مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی، عملکردی و اجتماعی: مطالعه موردی خیابان امام ارومیه». فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۱۹، صص. ۶۹-۷۹.

نگین تاجی، صمد. (۱۳۹۰). «مکان و حس مکان». منظر، شماره ۲۳، صص. ۲۴-۵۲۹.

نژاد محمد، وحید. (۱۳۹۷). «تأملی بر سوژه ژاک لکان در بستر زبان دگردیسی و یا تکامل زبان؟». پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، شماره ۱، صص. ۱۰۵-۱۳۱.

هنرور، جمال‌الدین. (۱۴۰۰). «شناسایی مؤلفه‌های معنایی مؤثر بر ایجاد و ارتقای حس تعلق به مکان در دبیرستان‌ها (نمونه موردی: دبیرستان‌های پسرانه منطقه یک تهران)». نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۶۱، صص. ۳۳۵-۳۱۵.